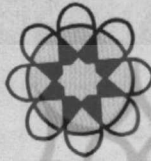


# قرآن در آینه قرآن

## قرآن در کلام امام

خلاصه مطالب گذشته

در شماره قبلی پس از بیان ویژگی اعجاز آمیز معرفی خود گفتیم از جمله خصوصیات قرآن مجید، آسانی آن برای تذکر است و در این زمینه به روشنترین نکته که پسندآموزی و عبرت از سرگذشت دیگران است پرداختیم و دو نمونه فردی (مرگ حضرت سلیمان) و جمعی (سرگذشت مردم سبا) را یادآور شدیم و در پایان با توجه به سوره قمر که آیه یسرنا ولقد القرآن للذکر فهل من مدکر در آن ۴ بار پس از سرگذشت اقوام مختلف تکرار شده است به چگونگی بیان قرآن در بندگیری از زندگی و سرگذشت دیگران اشاره کردیم. اکنون با ذکر نکاتی چند، دقت و باریک بینی بیان قرآن را در ادامه این موضوع یادآور می شویم.



یکی از نکاتی که در قرآن وجود دارد اینست که مطالب بطور مکرر آمده است. برای اینکه قرآن می خواهد آدم سازی بکند. قرآن کتاب تاریخ نیست، در کتاب تاریخ اگر قصه ای را دوبار بنویسند زبانی نوشته اند، اما کتاب اخلاق باید مکرر باشد. کسانی که می خواهند اخلاق برای مردم بگویند، باید آنقدر بگویند تا به مغزها فرو برود و گرنه با یک دفعه گفتن درست نمی شود. لذا تکرار مطالب در قرآن به این جهت است که سبک انسان سازی بدینگونه است، هر صفحه را باز می کنی دعوت به تقوا، دعوت به خوبی و... صفحات را که باز می کنی قصه موسی را چندین مرتبه ذکر می کنی، قصه ابراهیم را چندین مرتبه ذکر می کنی، اینها داستان سرائی نیست. اینهایی که قرآن را نمی شناسند و نمی فهمند قرآن چیست، می گویند خوب بود باب باب باشد، هر بابی یک موضوع باشد، در حالیکه قرآن آمده است آدم درست کند و انسان درست کردن به یک دفعه گفتن میسر نیست.

از بیانات امام خمینی در جمع مسئولین مملکتی در تاریخ ۶۲/۱/۱۸

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### تماشاگاه زمین و زمان

قرآن مجید علاوه بر سرگذشت افراد و اقوام و داستان زندگی و مرگ آنان که قصه حقیقت و واقعیت است و قرآن آنها را جزء به جزء و مناسب حال با بیان دلنشین و شیوای خود بازگو می کند؛ برای عبرت و درس آموزی از زندگی و مرگ دیگران ما را به سیر و سیاحت در پهنه زمین و عرصه زمان فرامی خواند تا سرگذشت انسان را در عینیت هستی و جهان از نزدیک بنگریم و شاهد مستقیم آن باشیم و از

اینرو در آیات بسیار بصورت کلی و فراگیر و با بیانات مختلف ما را به سوی آن سوق می دهد و در مواردی چند به اینگونه سخن می گوید. به نمونه ای از آن توجه کنیم.

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّانُهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ تَمُكِّنْ لَهُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَا هُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَ آتَيْنَاهُمْ مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ  
سوره انعام - آیه ۶

آیا ندیدند که چه بسیار پیش از آنان مردمان روزگار را هلاک کردیم، کسانی که بیش از

شما در زمین تسلط داشتند و آسمان فراوان بر آنان باریده و در زیر پایشان نهرها جاری می گشت اما آنان را بواسطه گناهانشان نابود ساختیم و کسان دیگری را بجای آنان پدید آوردیم.

همچنین در آیه ۱۱ سوره انعام می گوید:  
قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ الظُّرُوفُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ  
بگو در زمین گردش کنید و سپس بنگرید که عاقبت تکذیب کنندگان حقیقت چه بود.  
(آیاتی که ما را به عاقبت ظالمین، مجرمین،

مفسدین، مکذبین و گذشتگان و بررسی آن توجه می‌دهد از بیست آیه متجاوز است و البته این مضمون در آیات دیگر نیز فراوان است.

### \*\*\*

جالب است که قرآن عزیز برای اینکه در این سیر و سیاحت در زندگی و سرگذشت دیگران، در میان جزئیات آثار این قصه و داستانها خود را فراموش نکنیم، و بجای پندگیری و عبرت به گفتگوی بیحاصل سرگرم نگردیم؛ در جهت هدف و مقصود بماندگار می‌دهد و دقت در وضع خودمان را گوشزد می‌کند به آیه زیر توجه کنیم:

وَلَقَدْ أَهَلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَ جَانَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَ مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ \* نَمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ

سوره یونس - آیات ۱۳ و ۱۴

و هر آینه مردم روزگاران پیش از شما را آنگاه که ستم کردند هلاک کردیم در حالی که پیامبرانشان با دلائل آشکار به سوی آنان آمدند اما آنان ایمان نمی‌آوردند. اینچنین گناهکاران را کیفر می‌دهیم. سپس شما را جانشینان در زمین قرار دادیم تا بنگریم که چگونه رفتار می‌کنید.

در سوره بقره آنجا که از محاجه یهود و نصاری دربارۀ دین خود و یهودی و نصرانی بودن برخی از پیامبران مانند حضرت ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب سخن می‌گوید هشدار می‌دهد که مبادا گفتگو دربارۀ دیگران حتی پیامبران و سرگرمی به کم و کیف سرگذشت آنان، ما را از حقیقت حال خود که باید از رهگذر این داستانها بدان آگاه شویم غافل سازد. بیان آیه چنین است:

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَ لَا تُسْئَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

سوره بقره آیه ۱۳۴ و ۱۴۱

### \*\*\*

نکته دیگر در اینگونه آیات که از جهت معرفی قرآن از زبان خود قابل دقت است، این است که گاه همراه اینگونه آیات به نقش قرآن کریم اشاره می‌شود تا قرآن را کتاب داستان نپنداریم و موضع آن را فراموش نکنیم و بیش از پیش بدانیم که در وراء قصه‌های قرآن حقایق نهفته است که باید به آنها رسید و شیفته و شیدای آنها گشت، نه جذب و فریفته ظواهر داستانها و نه مشغول واقعیت‌های گذشته و زندگی گذشتگان و گفتگوی بی‌حاصل در مورد آنها. بجاست که با توجه به آیات زیر قرآن را در آینه خویش از این زاویه بیشتر بنگریم و شیوۀ آن را در معرفی خود بهتر بشناسیم.

لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ \* وَ كَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَ أَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ

سوره انبیاء آیات ۱۰ و ۱۱

همانا فرستادیم به سوی شما کتابی که در آن مایه یادآوری شما است. پس آیا تعقل نمی‌کنید؟ و چه بسیار آبادیها را که ظلم و ستم در آن آشکار بود نابود کردیم و قوم دیگری را بیدار ساختیم.

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ

سوره آل عمران - آیات ۱۳۷ و ۱۳۸

بیش از شما سنتها و روشهایی به انجام رسید پس در زمین بگردید و بنگرید که سرانجام تکذیب کنندگان چگونه است. این بیان روشنگر برای مردم است و هدایت و موعظه برای تقوایپشگان می‌باشد.

و البته آیات سوره قمر نیز که پیش از این دربارۀ آن سخن گفتیم، نمونه گویا و آشکاری از این حقیقت می‌باشد.

بدینگونه توجه به سرگذشت انسانها و سیر

و سیاحت برای دریافت سنت‌های الهی با حقیقت قرآن در می‌آمیزد و به صورت بیانی روشن، ساده و آسان برای همه مردم و هدایت و موعظه برای متقین جلوه‌گری می‌کند و مایه عبرت همگان و انگیزه تذکر و هوشیاری خردمندان می‌گردد.

### حقایق زندگی

از این مورد یعنی پندآموزی و عبرت از دیگران که بگذریم، قصه‌های قرآن مشحون از حقایق فراوانی است که جنبه‌های مختلف زندگی انسان را در بر می‌گیرد و نکات و دقایق اعتقادی اجتماعی، اخلاقی و... را که بینش و روش الهی انسان است در بر دارد (و به اصطلاح شامل جهان بینی و ایدئولوژی مکتب اسلام است). برای نمونه به سوره کهف که چند داستان مختلف (اصحاب کهف، موسی و بنده برگزیده الهی، ذوالقرنین، گفتگوی صاحبان دو باغ و نیز اشاره به داستان آدم) آمده است و هر کدام نکات فراوانی دارد اشاره می‌کنیم و در اینجا به نکاتی چند از داستان اصحاب کهف توجه می‌کنیم.

### داستان اصحاب کهف

در آغاز ترجمه آیات ۹ تا ۲۸ سوره کهف را می‌آوریم.

آیا گمان کردی که یاران غار و شکاف از آیت‌های شکر ما هستند بیاد آور زمانی را که جوانها به سوی غار جا گرفتند و پس گفتند پروردگارا بده ما را از پیش خود رحمت و آماده‌ساز برای کار ما رشد و هدایت را \* پس افکندیم بر گوشه‌های آنان خواب را در غار سالهای معینی \* پس برانگیختیم آنها را تا بدانیم کدام دو گروه برای مکتب آنان مدت نگهداشته‌اند \* ما می‌خوانیم سرگذشت آنان را به حق بر تو. آنان جوانهایی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما بر هدایت آنان

افزودیم \* و پیوند و الفت دادیم بر دل‌های آنان هنگامی که قیام کردند پس گفتند پروردگار ما ربّ آسمانها و زمین است هرگز غیر او را خدا نخوانیم به تحقیق مادر این صورت ناصواب گفته ایم \* این قوم ما هستند که جز او خدایان را پرستیدند چرا بر آنها حجت آشکاری نمی‌آورند؟ پس چه کسی ستمگرتر است از آنکه بر خدا دروغ بندد \* و چون کناره گرفتید از آنها و آنچه جز خدا می‌پرستند پس پناه گیرید بسوی نماز تا پی او از پروردگارتان از رحمتش بر شما پیراکنند و سود شما را در کارتان آماده سازد \* و آفتاب را دیدی که چون طلوع کرد بسمت راست غار می‌گردد و چون غروب کند به سمت چپ آنان را در نوردد و آنها در فراخی از آن بودند. این از آیات الهی است هر که را او راهنمایی کند هدایت یافته است و هر که را او گمراه کند پس هرگز سرپرست راهنمایی برای او نخواهی یافت \* و بنداری آنان را بیدار و حال آنکه خفتگانند و میگردانیم آنان را به سمت راست و چپ و سگ آنها گسترانیده دو دست خود را در جلو. اگر بر آنان آگاه شوی هر آینه از آنان روی گردانی و بگریزی و از ترس مالا مال گردی \* و اینچنین برانگیختیم آنها را تا میان خود گفت و شنود کنند. یکی از آنان گفت چه مدت درنگ کردید. گفتند یک روز یا پاره‌ای از روز گفتند پروردگار شما به آن آگاه‌تر است پس بفرستید یکی از خودتان را با این درم خودتان بسوی شهر پس باید بنگرد که کدام فروشنده طعام پاکیزه‌تر دارد پس روزی برایتان آورد و باید مهربانی کند و آگاه نکند نسبت به شما احدی را \* آنان اگر بر شما دست یابند سنگ سارتان کنند یا دوباره به کیش خود بازگردانند و شما هرگز رستگار نشوید \* و اینچنین آگاهی دادیم مردم را بر آنها تا بدانند که وعده خدا حق است و ساعت قیامت در آن شکی نیست. آنگاه که میان خود در کار آنان نزاع

کردند پس گفتند بنانهید بر آنان بنائی را پروردگارشان به آنها آگاه‌تر است. آنان که بر کار آنان غلبه یافتند گفتند هر آینه مسجدی بر روی آنان بنا می‌کنیم \* زود گویند که آنها سه تن بودند و چهارمی سگشان و گویند پنج تن بودند و ششمی آنها سگشان با تیر به تاریکی افکندن و گویند هفت تن بودند و هشتمی آنان سگشان. بگو پروردگارم به تعداد آنان آگاه‌تر است جز افراد اندکی درباره آنان ندانند پس در مورد آنان جز جدال ظاهری مکن و مپرس درباره آنان از احدی \* و چیزی را مگو که آن را فردا بانجام رسانم مگر آنکه خدا خواهد و خدای خود را بسپارد آور آنگاه که فراموش کردی و بگو شاید که پروردگارم مرا به سوی رشد یافته‌تر هدایت کند \* و ماندند در غارشان سیصد سال و افزون کردند بر آن نه سال را. بگو خدا آگاه‌تر است به آنچه ماندند غیب آسمانها و زمین از آن اوست چه بینا و شنوا است. غیر از او ولی و سرپرستی ندارند و در حکم خود احدی را شریک نگیرد \* بخوان آنچه را که از کتاب پروردگارت بر تو وحی شد. بدل کننده‌ای برای کلمات الهی نیست و جز او پناهی نداری \* و شکبیا کن نفس خود را همراه کسانی که پروردگارشان را صبحگاه و شامگاه می‌خوانند و او را می‌طلبند و دو چشمت را از آنان مدار در حالی که خواهان زیور زندگی دنیا باشی و از کسی که دلش را از یاد خدا غافل ساختیم و او پیروی خواسته نفس خود کرد و کارش به تباهی کشید اطاعت و پیروی مکن \*

اکنون به برخی نکات این داستان اشاره می‌کنیم.

— ایمان به خداوند و قیام برای او باعث استواری و پیوند دل‌ها می‌گردد که سر رشته آن در نزد خداست و مایه ایمانی زاینده و فزاینده است.

— خداشناسی و توجه به توحید راهی

روشن همراه دلیل استوار است و شرک به خدا و توجه به چیزهای دیگر بدون دلیل و سست و بی‌پایه است و انسان بر اساس فطرت به سوی حق شتابان و از غیر او گریزان است. — آنانکه چنین بینش و اعتقادی دارند هر چند گروهی اندک باشند از جمعیت کفر و شرک هر چند انبوه و فراوان باشند می‌توانند از آنان دور و بر کنار باشند و با آنان سازش‌پذیر نیستند و سختی در راه خدا را بر آسایش ترجیح می‌دهند و به سوی خدا هجرت می‌کنند تا از رحمت الهی برخوردار و از سوی او هدایت شوند.

— خداوند نیز بهرگونه که بخواهد و مصلحت بداند و البته گاه به صورت آیه و معجزه و خارق عادت مانند خواب سیصد و اند ساله اصحاب کهف، چنین کسانی را پناه می‌دهد و زمینه‌های رشد و هدایت بیشتر و برتر آنان را فراهم می‌سازد.

— اینگونه کارهای خداوند نمونه‌های عینی و آموزنده است از جمله ایمان به آخرت و پذیرش حیات بعد از مرگ که نمونه‌های قرآنی متعدد دارد و داستان اصحاب کهف نمونه برجسته‌ای از آن است.

— انسانهایی این چنین در همه حال مراقب باکی جسم و جان خود هستند و آنرا کوچک نمی‌شمارند چنانکه اصحاب کهف در این حال نیز به دنبال غذای پاک و نالوده بودند.

— توجه آنان به مسائل و ظواهر زندگی و گفتگو درباره آن در حدّ ضرورت و همراه با توجه به خدا و علم و قدرت و اراده اوست و از اینرو آنان پس از بیداری در اینکه چه مقدار خوابیده‌اند، فروتنانه علم آنرا بخداوند واگذار کردند. اما کسانی در این گفتگوی بی‌حاصل و گفتگو درباره تعداد آنان غرقه گشتند.

— سخن از فردا و فرداها مگو و بر روزگار تکیه مکن زیرا کسی نداند فردا چه خواهد شد چنانکه فردای اصحاب کهف بیش از سیصد

سال به طول انجامید و از اینرو به ناپایداری دنیا و سراب بودن آن توجه کن و بدان که دنیا کشتگاه آخرت است و آزمایشگاهی مجهز برای بهره برداری آخرت می باشد چنانکه در دو آیه جلوتر این داستان آمده است:

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِيَتَّبِعُوا آيَاتِنَا أَحْسَنُ عَمَلًا وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا.

آیات ۷ و ۸ سوره کهف همانا ما قرار دادیم آنچه را در زمین است زینت و آراستگی آن تا بیازماییم آنان را که کدامین در عمل نیکوتر است \* و ما قرار دهنده هستیم آنچه را که بر زمین است بصورت زمین بی گیاه.

در رسالت قرآن نیز در ابتدای سوره در آیات ۱ تا ۴ به بشارت و انذار در وحی قرآنی اشاره رفته است و در آیه ۵ توجه می دهد که پیامبر نیز بیش از این در صورتی که انسانها خود توجه بکنند مسئولیتی ندارد.

و بالاخره باید همواره خدا را بیاد آورد و برای رشد و هدایت به او امیدوار بود و همراه کسانی پایداری و صبر بخرج داد که همواره به یاد خدایند و جز او نخواهند و از آنان بخاطر زینت دنیا جدا نگردید و پیرو کسی که قلبش از یاد خدا غافل و تهی و دنباله روی هوای نفس خویش است نرفت که عاقبتی بسیار بد دارد.

### حقیقت قرآنی

باتوجه به این نکات و نکات بسیار دیگر از رهگذر این داستان واقعی که در تاریخ و در میان انسانها رخ داده و وحی الهی از آن خبر می دهد و کتاب خدا آنرا بازگو می کند می توان برای زندگی در سهای فراوان گرفت و در عین حال به این نکته و اصل بزرگ قرآنی که بیان حقایق از زبان دیگران و سرگذشت آنها و بطور غیر مستقیم است؛ دقت کرد. چه در اینصورت هم مشاهده عینیّت و واقعیت زندگی

است و هم القاء حقایق گوناگون از زبان آنها و بقول مولوی:

خوشر آن باشد که سر دلبران

گفته آید در حدیث دیگران و می تواند معنای سخن امام معصوم که فرمودند قرآن به صورت ایّاک اَعْنَى و اَسْمَعَى یا جازه (دره بتو میگویم دیوار تو گوش کن) نازل شده است همین باشد و داستانهای قرآن مجید نمونه بارز آن است.

### چگونگی داستانهای قرآن

این داستان نمونه ای از داستانهای خاص و منفرد قرآنی است که عموماً یک بار آمده است و بعضاً در موارد دیگر به آنها اشاره شده است. چنانکه داستان قارون در سوره قصص همین طور است و نیز داستان شگفت انگیز حضرت یوسف که در آن سوره یک بار آمده است. اما داستان پیامبران و اقوام و بخصوص حضرت موسی و بنی اسرائیل با فرعون و فرعونیان تکرار و تنوع بسیار دارد. چنانکه سخن از خود پیامبر اکرم و قوم و امتش که در برگرفته مسائل مختلف زندگی است و جنبه های گوناگون دارد؛ فراوان آمده است.

در مجموع داستانهای مربوط به حضرت موسی و بنی اسرائیل تمام زوایای زندگی به چشم می خورد. از سرگذشت حضرت موسی از قبل از ولادت و بعد از آن و دوران شیرخوارگی و جوانی و آوارگی و برخورد با فرعون و فرعونیان شروع می شود و آنگاه پس از فرعون با بنی اسرائیل از حرکت به سوی مصر تا رفتن به ارض مقدس ادامه می یابد و از روزگار سختی و بردگی تارهایی و آسودگی و رفاه سخن می گوید و آنگاه به بهانه جوئی و ستیز بنی اسرائیل و کفران نعمت و برگشت روزگار از آنان و سرنوشت آنان ختم می شود. توجه می کنیم که این مجموعه عظیم آیات قرآن حقایق فراوانی از مسائل اعتقادی،

اخلاقی، اجتماعی و... را در بردارد و نه تنها عبرت آموز است بلکه تجربه و درس زندگی است. قرآن خدا می گوید:

فَأَقْصُصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

سوره اعراف آیه ۱۷۶ پس سرگذشتها را بگیری کن و بخوان شاید آنان تفکر و اندیشه کنند.

در پایان این مبحث نیز آیه پایانی سوره یوسف را که به جامعیت و گستردگی مضامین و حقایق داستانهای قرآنی اشاره دارد بازگو می کنیم باشد که ما خود پند گیریم و درس زندگی آموزیم.

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

سوره یوسف آیه ۱۱۱ هر آینه در سرگذشت آنان عبرت برای خردمندان است، سخنی نیست که بدروغ بافته شده باشد بلکه تصدیق واقعیت موجود است و بیان و تفصیل هر چیز و حقیقت است و هدایت و رحمت برای قومی است که ایمان دارند. در آیات ۳۷ سوره یونس و ۵۲ سوره اعراف نیز به این حالت قرآن که بیان حقایق و گستردگی آن است اشاره دارد که توجه و بررسی آنها را به علاقمندان وامی گذاریم.

